

چکیده مسوط

این نوشتار به بررسی الگوی شاخص زنان در ابعاد سیاسی و اجتماعی با تأکید بر آیات سوره تحریم می‌پردازد و مهم‌ترین شاخصه‌ی الگوهای مثبت و منفی معرفی شده زنان در قرآن را تحلیل می‌کند. در قرآن کریم، زنان به عنوان شخصیت‌های کلیدی در مقاطع حساس تاریخ بشریت معرفی شده‌اند که نقش کلیدی در تقابل و پیروزی یا شکست دو جبهه‌ی حق و باطل داشته‌اند.

این پژوهش با محوریت بخشی از آیات سوره مبارکه تحریم، به سرگذشت زندگی همسران بعضی از پیامبران و بعضی از زنان دیگر پرداخته و با تمرکز بر مهم‌ترین فعالیتشان، آنها را به دو دسته تقسیم و هر کدام را به عنوان الگوهای جریان و جبهه‌ی حق و باطل و ایمان و کفر، معرفی می‌نماید:

الگوهای جریان کفر

الف) بعضی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله^۲ در آیات ابتدایی این سوره به دلیل افشای راز پیامبر صلی الله علیه و آله، مورد مذمت قرار گرفته‌اند که در بعضی از تفاسیر^۳ به ابعاد سیاسی و اجتماعی افشای این راز، اشاره شده است.

۱. پژوهشگران مرکز پژوهش و آموزش‌های کاربردی مدرسه علمیه محمدیه یزد

۲. سوره تحریم، آیه ۳

۳. ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، جلد ۵، صفحه ۲۳۰



ب) همسر حضرت نوح^۱ در این سوره مورد مذمت قرار گرفته و توبیخ شده است. خداوند زندگی و معاشرت او با پیامبران الهی را مورد سرزنش شدید قرار داده و از او به عنوان زن جهنمی نام برده است. زنی که در رویارویی با جریان حق و مبارزه همیشگی این جریان با جبهه حق، در مسیر اشتباه تاریخ قرار گرفت و یاری رسان جریان باطل بود و برای همیشه، الگو و ضرب المثل افرادی شد که به دنبال مبارزه با حق و حقیقت بودند.

به راستی خیانت همسر حضرت نوح و همکاری او با دشمنان و افشای اسرار آن پیامبر از لحاظ سیاسی و اجتماعی، ضربه‌های بزرگی را به دین از جمله تضعیف روحیه قوم، تشویق به کفر و مخالفت با پیامبر، وارد کرد.

ج) همسر حضرت لوط^۲ نیز در سوره تحریم مورد مذمت قرار گرفته و توبیخ شده است. آنجا که زن جهنمی معرفی شده است.

همسر حضرت لوط نیز ضربه‌های سیاسی و اجتماعی متعددی مانند عدم حمایت از پیامبر، تشویق به فساد، ایجاد تفرقه در خانواده، ترویج نفاق و مخالفت با آیات الهی به دین وارد کرد؛ بنابراین زن لوط به عنوان یک شخصیت منفی، نه به عنوان یک فرد، بلکه به عنوان نماینده‌ای از نافرمانی و کفر، تأثیرات منفی زیادی بر جامعه خود و بر مأموریت پیامبر داشت.

اهمیت و نقش حضور زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی و تأثیر آنها بر کسی پوشیده نیست. آنچه مهم است، فهم اساسی‌ترین مسئله‌ای است که در مسائل سیاسی اجتماعی بر عهده زنان گذاشته شده است. آن چیزی که زن بتواند با حفظ حریم خود و از موضع زنانگی آن را به بهترین نحو انجام دهد. برای فهم مهم‌ترین خطا و استراتژی سیاسی و اجتماعی زنانی که قبلاً از آنها به عنوان الگوهای جریان باطل یاد شد و نقش محوری که در تقابل با جریان حق داشتند، لازم است به تحلیل صحیح و تبیین مهم‌ترین فعالیت سیاسی اجتماعی زنان جبهه‌ی ایمان که نقش اصلی را در پیروزی اهل ایمان با موضع زنانگی خود بر جریان کفر داشتند، پرداخته شود. کشف کلیدی‌ترین فعالیت سیاسی و اجتماعی آنها در کنار فهم جنبه‌های گوناگون زندگی، حرکت درست در مسیر تاریخ و پیروزی نهایی مؤمنین بر کفار و منافقین را به ارمغان می‌آورد در ذیل به الگوهای زنان مؤمن پرداخته می‌شود:

۱. سوره تحریم، آیه ۱۰

۲. سوره تحریم، آیه ۱۰



الف) حضرت آسیه سلام الله علیها همسر فرعون و دختر مُزَاحِم است. خداوند در قرآن او را این گونه الگوی مؤمنین معرفی می کند: ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٌ فِرْعَوْنَ﴾^۱. همسر فرعون به عنوان الگوی تمامی اهل ایمان معرفی شده است. او الگو و اسوهی تمام انسان هایی است که می خواهند در مسیر حق و حقیقت حرکت کنند؛ اما این سؤال مطرح است که به چه دلیل در میان این همه زن در دنیا و در ادوار مختلف تاریخ، خداوند از آسیه نام می برد؟ او به چه میزان در مسیر انسانیت و تکامل و ایمان رشد کرده است که می تواند الگوی نمونه برای تمام پویندگان راه حق و حقیقت باشد؟ کدام شاخصه و کدام ویژگی در او تبلور داشته و در چه حالی زندگانی را سپری کرده که این گونه مسیر درست تاریخ، با تأسی به او رقم می خورد؟ خداوند در ادامه ی آیه، این گونه حال او را بیان می کند: ﴿إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۲. در نگاه اولیه می توان گفت که او در حال مناجات با خداوند است و چون غرق در دعا و راز و نیاز با خالق هستی بوده، اینگونه مورد توجه و عنایت قرار گرفته است؛ اما با عنایت به روایات، چیز دیگری بدست می آید. مرحوم مجلسی در بحارالانوار^۳ نقل می کند که این دعا و این درخواستی که خداوند در قرآن آن را بیان فرموده و حال او را توصیف نموده است، برای زمانبست که آسیه توسط فرعون به چهارمیخ کشیده شده بود و در حال شهادت بود؛ یعنی این زنی که قرآن معرفی می کند و او را الگوی هر زن و مرد مؤمن معرفی می کند، در اوج درگیری با ائمه کفر زمان بوده است و ضربه ای که این بانو به دستگاه فرعون زده است، به قدری کاری و اساسی بوده که فرعون مجبور شده است او را که همسر و شریک زندگیش بوده است، به چهارمیخ بکشد ﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾^۴.

عظمت این زن در اینجا بیشتر معلوم می شود که چون او ملکه دربار فرعون بود و تمام مظاهر دنیاپرستی در اختیار او قرار داشت، می توانست در اوج لذات و شهوات قرار بگیرد؛ ولی ایمان آورد و ایمانش را در این شرایط کتمان کرد و نگه داشت. یعنی درحالی که به بالاترین لذات و شهوات دسترسی داشت، درعین حال، ایمان خود را کتمان کرد و در زمان مناسب به فرعون ضربه زد.

۱. سوره تحریم، آیه ۱۱

۲. همان

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۱.

۴. سوره فجر، آیه ۱۰.





در اینجا توجه به این نکته لازم است که کار و وظیفه‌ای که زنان دارند با کار و وظایف مردان تفاوت دارد. بلکه احکام مشترکی بین همه هست «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ ولی حرکت آسیه در اینجا از باب وظایف مشترک نبوده است، بلکه ایشان از موضع زنانه با طاغوت درافتاد. درافتادن ملکه‌ی دربار با امپراتور، باعث می‌شود که دربار دو شقه شود. یعنی این کاری است که مردان هم نمی‌توانند انجام دهند. یک مرد هرچقدر هم که درجه‌اش بالا باشد، مثلاً پیامبر که در اوج است و پس از ایشان که امیرالمؤمنین قرار دارد، ولی باز کارهایی هست که این شخصیت‌های بزرگوار نمی‌توانند انجام دهند، ولی حضرت زهرا از موضع زنانگی خودش می‌تواند انجام دهد و از این موضع و جایگاه با جریان کفر و نفاق در بیفتد.

حضرت آسیه هم همین بود، یعنی از موضع ملکه با طاغوت درافتاد و هزینه‌اش را هم پرداخت کرد و خداوند هم او را الگوی جبهه ایمان معرفی کرد، زنی که از موضع زنانگی‌اش در برابر طواغیت می‌ایستد، یعنی هویت زنانگی او هم به رسمیت شناخته شده است و این گونه نبود که بگویند شما یک تکلیف عمومی دارید و به آن عمل کرده‌اید. نه، زن اگر بخواهد در جامعه حرکت کند و کاری انجام دهد و احساس هویت هم داشته باشد، باید کاری متناسب با زنانگی او، به او داده شود.

ب) حضرت مریم سلام الله علیها دومین زنی که خداوند او را الگوی جبهه ایمان معرفی کرد «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ»^۲.

این هم یک بانویی است که از او تعریف شده است. محوری‌ترین و کلیدی‌ترین نقشی که او با حفظ موضع زنانگی خود به بهترین نحو انجام داده است، چه بوده است؟ کار اصلی و اساسی حضرت مریم، چه بوده است؟ اینکه حضرت عیسی را به عنوان روح الهی و کلمه الهی، به دنیا می‌آورد و یک امتحان بسیار سخت و سنگین برای او است. کسی که از اول برای خادمی حرم نذر شده است و همیشه در آنجا در حال عبادت است به گونه‌ای که حتی غذای بهشتی برای ایشان می‌آوردند تا از مردم فاصله بگیرد، قرار است با حالت حاملگی وارد شهر شود؛ یعنی در موضوع عفاف و حیاء امتحان شود. حال تصور مواجهه‌ی چنین بانوی مخدیره‌ای آن هم

۱. سوره نحل، آیه ۳۶.

۲. سوره تحریم، آیه ۱۲.

در اوج عفاف و حیا و عبادت و متهم شدن به اینکه «یا أُخْتِ هَاؤُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأً سَوِيًّا وَ مَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا»^۱ چه انقلاب روحی در او ایجاد می‌کند و او چگونه باید از موضع زنانگی خود، در مسیر حق و اثبات حقانیت، استقامت کند. این طور به او می‌گویند که این را از کجا آورده‌ای؟ شما که ازدواج نکرده بودید؟ این چه وضعی هست که با این بیچه وارد شهر شده‌ای؟ در روایات داریم که حتی وقتی زنان بنی اسرائیل ایشان را دیدند به صورت مبارکشان آب دهان پرتاب کردند؛^۲ لذا در قرآن هست که وقتی درد زایمان ایشان را فراگرفت و زیر درخت خرمایی رفت ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ﴾^۳ در آنجا گفت ﴿قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا﴾^۴ یعنی کاش قبل از این می‌مردم؛ چون می‌داند که فرزندی را بدون ازدواج به دنیا آورده است و الان می‌خواهد داخل جامعه دینی بنی اسرائیل شود و آنها تهمت روابط نامشروع را به او خواهند زد؛ اما چرا این را تحمل می‌کند؟ برای اینکه ضربه بزرگی را به دستگاه نفاق وارد کند. او به دستگاه نفاق بنی اسرائیل آسیب زد، چون بنی اسرائیل کافر نبودند، بلکه به حضرت موسی ایمان آورده بودند و مسلمان زمان خودشان بودند، ولی دچار تحریف و انحراف شده بودند.

این بانو برای اینکه تقدس ساختگی علمای بنی اسرائیل را بشکند و فضا را بر علیه آنها شورانده و آنها را رسوا کند و بدعت‌هایشان را نمایان سازد، این امتحان سخت را انجام می‌دهد. یعنی وقتی او وارد شهر می‌شود و آنها به او می‌گویند که این عمل نامشروع را انجام داده‌ای، عکس‌العمل آن حضرت چه بود؟ ﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا. قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^۵ یعنی این طفل همان حضرت مسیحی است که می‌خواهد بیاید و نفاق بنی اسرائیل را افشا کند و انحرافات آنها را نمایان و اربابان منحرف را رسوا کند و مردم را دوباره به دین سلیم راهنمایی کند. در چه حالی و در چه شرایطی حضرت مریم می‌تواند تقدس ساختگی بنی اسرائیل را بشکند؟ زمانی که می‌بینند بیچه در گهواره صحبت می‌کند. پس آن حضرت با این کار خودش، با این مصیبت آبرویی که تحمل می‌کند، تقدس ظاهری دستگاه نفاق را می‌شکند؛ چون دستگاه نفاق با دستگاه کفر فرق دارد، دستگاه کفر می‌گوید هیچ چیز را قبول ندارم و می‌خواهند با زور و قلدری روی کار بیایند و همه چیز را بشکنند

۱ سوره مریم، آیه ۲۸.

۲ سیدهاشم بحرانی، البرهان، جلد ۶، ص ۱۵۴

۳ سوره مریم، آیه ۲۳.

۴ همان.

۵ سوره مریم، آیه ۲۹.

و به قدرت برسند؛ ولی دستگاه نفاق با ادعای اینکه ما خدا و پیامبر را قبول داریم می‌خواهند به ریاست برسند، ضمن اینکه ریاست اینها لذت خاص خودش را هم دارد؛ چراکه با تقدس همراه هست. با این توصیفات چگونه خداوند ارکان حکومت فرعون و بنی اسرائیل را به وسیله حضرت آسیه و مریم متزلزل می‌کند و به نابودی می‌کشاند؟ با تدبیر در آیات قرآن مشاهده می‌شود که آن کانون هستی و نکته‌ی کلیدی و اوج کار آن دو بزرگوار این بود که از موضع زنانگی خود، در مقابل دستگاه کفر یا نفاق ایستادند، یعنی حضرت مریم با تولد فرزندی که از دست مرد این کار بر نمی‌آید، دستگاه آنها را زیر سؤال برده و آبرویشان را ریخت. ممکن است به همین دلیل باشد که خداوند در آیات ماقبل داستان حضرت مریم و آسیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۱ و سپس در آیه بعدی می‌گوید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...».

همان‌طور که مشاهده شد این تحقیق در صدد است که با استفاده از تحلیل کیفی آیات قرآن و بررسی تفاسیر مرتبط، به تبیین تأثیرات اجتماعی و سیاسی زنان در مقاطع مختلف تاریخ پردازد و تأکید می‌کند که آنها می‌توانند با الهام از شخصیت‌های قرآنی، در تحقق عدالت و حق‌طلبی و استقرار حکومت الهی، نقش کلیدی ایفا کنند.

هدف این تحقیق، شناسایی الگوهای زنانه در قرآن و بررسی اهمیت پیروی از آنها در جامعه معاصر است. نتایج نشان می‌دهد که زنان باید به‌عنوان بازیگران کلیدی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شناخته شوند و نقش آنها در پیشبرد اهداف انسانی و الهی مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، مقاله بر ضرورت پیروی از الگوهای مثبت زنان در قرآن و اهمیت نقش آنها در پیشبرد اهداف انسانی و الهی در جوامع معاصر اشاره می‌کند.